

ساختار کتاب

کتاب شب امتحان فلسفه (۱) یازدهم انسانی از ۴ قسمت اصلی تشکیل شده است که به صورت زیر است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار بعضی از سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمون‌های شما را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ از کل کتاب و مطابق امتحان پایان سال طرح شده‌اند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ را که برای نوبت دوم طرح شده‌اند هم طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند. در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال معلمان مواجه خواهید شد.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها تمام آنچه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت برگ برنده شما نسبت به کسانی است که این کتاب را نمی‌خوانند 😊 در این قسمت تمام آنچه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان فلسفه (۱) نیاز دارید، تنها در ۶ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!
یک راهکار: موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤالات درس‌های ۱ تا ۴ آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.

فهرست

پاسخ‌نامه	آزمون	نوبت	
۳۱	۳	اول	آزمون شماره ۱ (طبقه‌بندی شده)
۳۱	۵	اول	آزمون شماره ۲ (طبقه‌بندی شده)
۳۲	۸	اول	آزمون شماره ۳ (طبقه‌بندی نشده)
۳۳	۱۰	اول	آزمون شماره ۴ (طبقه‌بندی نشده)
۳۳	۱۲	دوم	آزمون شماره ۵ (طبقه‌بندی شده)
۳۴	۱۵	دوم	آزمون شماره ۶ (طبقه‌بندی شده)
۳۵	۱۸	دوم	آزمون شماره ۷ (طبقه‌بندی شده)
۳۵	۲۰	دوم	آزمون شماره ۸ (طبقه‌بندی شده)
۳۶	۲۳	دوم	آزمون شماره ۹ (طبقه‌بندی نشده)
۳۷	۲۵	دوم	آزمون شماره ۱۰ (طبقه‌بندی نشده)
۳۷	۲۷	دوم	آزمون شماره ۱۱ (طبقه‌بندی نشده)
۳۸	۲۹	دوم	آزمون شماره ۱۲ (طبقه‌بندی نشده)
۳۹			درس‌نامه توپ برای شب امتحان



ردیف	آزمون شماره ۱	نوبت اول پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	نمره
	بخش اول، درس اول		
۱	جای خالی را با کلمه مناسب پر کنید. معنای اولیه لفظ فلسفه، بود.	بهبها هواستون باشه معنای فلسفه چند بار تغییر کرد و این با معنای اولیه رو می پرسه از تون.	۰/۲۵
۲	درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید. الف) بررسی این که «چرا طبیعت قابل شناخت است؟» مربوط به فلسفه علوم طبیعی است. ب) معنای فلسفه نزد عموم مردم، تبیین عقلانی امور و پدیده هاست.		۰/۲۵ ۰/۲۵
۳	به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید. الف) چرا سقراط مایل نبود او را «سوفیست» بخوانند؟ او خود را چه نامید؟ ب) منظور از «اصل یکنواخت عمل کردن طبیعت» چیست؟ پ) سه اصل از اصول و مبانی فلسفی علوم تجربی را بنویسید.		۱ ۱ ۰/۷۵
درس دوم			
۴	جای خالی را با کلمه مناسب پر کنید. مارکسیسم معتقد است که حکومت حق طبقه می باشد.		۰/۲۵
۵	درستی یا نادرستی عبارت زیر را مشخص کنید. نظریات دانشمندان در رشته های مختلف علوم انسانی، بسته به این که چه تصویری از انسان داشته باشند، فرق می کند.		۰/۲۵
۶	به سؤال زیر پاسخ کوتاه دهید. دو سؤال اساسی که بررسی آن به فلسفه هنر مربوط می شود، را بیان کنید.		۰/۵
۷	هر یک از موارد ستون سمت راست را به یکی از موارد ستون سمت چپ که تناسب دارند، وصل نمایید. (یکی از موارد ستون سمت چپ اضافی است). الف) آیا راستگویی ارزش نسبی است؟ ب) ماهیت و حقیقت زیبایی چیست؟ پ) انسان و پایگاه طبقاتی او ت) اقتدار و مشروعیت	<ul style="list-style-type: none"> ● (۱) فلسفه و سیاست ● (۲) فلسفه و اخلاق ● (۳) فلسفه و جامعه شناسی ● (۴) فلسفه و روان شناسی ● (۵) فلسفه و هنر 	۱
۸	به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید. الف) بحث شناخت (معرفت) در کدام علوم مورد بررسی قرار می گیرد، توضیح دهید و دو رویکرد روان شناسی در این رابطه را نام ببرید. ب) نظر اسلام را درباره حکومت بنویسید، سپس نحوه ارتباط فلسفه و علم سیاست را بیان کنید.		۱ ۱
درس سوم			
۹	جای خالی را با کلمه مناسب پر کنید. اگر «کثرت» در کار نبود، نمی توانستیم اشیا را از یکدیگر دهیم.		۰/۲۵
۱۰	درستی یا نادرستی عبارت زیر را مشخص کنید. «هستی» یا «وجود» حقیقی ترین مبنایی است که همه خصوصیات اشیا به آن باز می گردد.		۰/۲۵
۱۱	به سؤال زیر پاسخ کوتاه دهید. دو مورد از مسائل فلسفه اولی را نام ببرید.		۰/۵

نمره	کheilisabz.com	مدت آزمون: ۷۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی	فلسفه (۱)
آزمون شماره ۱				
۱۲	۰/۲۵	گزینه درست را انتخاب کنید.	الف) «اصل هستی» در کدام عرصه، مطالعه می شود؟ (۱) فلسفه اولی (۲) فلسفه طبیعت (۳) علم تجربی (۴) منطق	ب) درخت بودن «درخت» و انسان بودن «انسان» بحث از یا اشیا است. (۱) هستی - وجود (۲) چیستی - وجود (۳) هستی - ماهیت (۴) چیستی - ماهیت
۱۳	۱	به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.	الف) بحث هستی و چیستی (وجود و ماهیت) در فلسفه چگونه مطرح می شود؟ (با مثال توضیح دهید). ب) علوم مختلف و مابعدالطبیعه هر کدام موجودات را از چه جهتی بررسی می کنند؟	بپه‌ها این‌که چه مواردی مربوط به ماهیت و یا چیستی می‌شن رو تو درس نامه توضیح داریم. قتماً بقونید اونارو.
بخش دوم، درس چهارم				
۱۴	۰/۵	جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.	سقراط، انسان را به تأمل در دعوت می کرد تا را کشف کند و به کمک آن به معرفت یقینی و فضایل اخلاقی دست یابد.	
۱۵	۰/۲۵	درستی یا نادرستی عبارت زیر را مشخص کنید.	سوفسطائیان معتقد بودند که دستیابی به حقیقت همیشه ممکن است.	
۱۶	۰/۲۵	به سؤال زیر پاسخ کوتاه دهید.	پروتاگوراس در چه قرنی می زیست؟ چرا محکوم به مرگ شد؟	بپه‌ها شفقت‌ها و دانشمندانی که تو این درس اسمشون مطرح می شه مهم هستند و ازشون سوال طرح می شه هواستون باشه!
۱۷	۱/۵	به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.	الف) عقاید سوفسطائیان را بیان کنید. (ذکر دو مورد) ب) گرگیاس در یکی از آثار خود به نام «درباره طبیعت» افکار اصلی خودش را چگونه شرح می دهد؟	
درس پنجم				
۱۸	۰/۵	جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.	در پیام سروش دلفی، داناترین آدمیان، کسی است که چون بداند که هیچ	
۱۹	۰/۲۵	درستی یا نادرستی عبارت زیر را مشخص کنید.	سقراط معتقد بود که ثروت، فضیلت به بار نمی آورد، بلکه از فضیلت است که تمام خیرات به دست می آید.	
۲۰	۰/۲۵	به سؤال زیر پاسخ کوتاه دهید.	الف) کدام بحث منطقی یادگار سقراط است؟ ب) نظر سقراط در مورد هر یک از مسائل زیر چیست؟ (۱) علت ترس از مرگ: (۲) ملاک انجام دادن یا ندادن یک کار:	
۲۱	۱	به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.	الف) سقراط از گشت و گذار در بین مردم چه مقصودی داشت؟ ب) منظور سقراط از پیام «خود را بشناس» چه بود؟ پ) چرا سقراط زن‌ها و کودکان را بیرون فرستاد؟ ت) از نظر سقراط فرار او چه نکته‌ای را نشان می داد؟	
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید		

ردیف	آزمون شماره ۹	نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	مدت آزمون: ۷۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی	فلسفه (۱)	kheilisabz.com	نمره
۱	درستی یا نادرستی عبارات زیر را مشخص کنید. روش سوفسطائیان هیچ تأثیری بر تاریخ فلسفه نداشته است. سقراط می گفت من مرگ را به آن زندگی که با زاری و طلب ترحم، همراه باشد، ترجیح می دهم. از نظر ارسطو «صورت» همان «طبیعت» است آن گاه که آن را به عنوان مبدأ حرکت و سکون در یک شیء در نظر بگیریم. اپیکوریان هم مانند رواقیون به سیاست و زندگی اجتماعی اهمیت می دادند.	۱					
۱/۵	جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید. اصل نزد همه دانشمندان اصلی پذیرفته شده است و همه قوانین علمی بر پایه آن بنا شده اند. از دیدگاه افلاطون یکی از مسائلی که ذهن انسان را همواره به خود مشغول داشته است، مسئله و معرفت است. به نظر افلاطون علم و دانش چیزی جز یادآوری عالم برتر نیست. فعلیتی که یک شیء در مرحله حرکت خود به دست می آورد، علت است. از نظر ارسطو «نجار» و «الگویی که بر روی مواد اولیه اجرا شده است» به ترتیب عبارت از علت و علت می باشد.	۵					
۱۰	به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید. پاسخ به سؤال «آیا هستی داشتن و وجود داشتن قواعد، احکام و ضوابطی دارد؟» مربوط به کدام یک از علوم است؟	۱۰					۰/۵
۱۱	«کمیت و مقدار» و «حرکت و سکون» به ترتیب موضوعات چه دانشی هستند؟	۱۱					۰/۵
۱۲	افلاطون یکی از آثار خود را به نام کدام سوفسطایی نوشته است؟	۱۲					۰/۲۵
۱۳	سقراط با چه روشی انسان را به تأمل در نفس خویش دعوت می کرد؟	۱۳					۰/۵
۱۴	به نظر سقراط انسان چگونه می تواند از وسوسه شک و گمان خلاصی یابد و راه حقیقت را پیماید؟	۱۴					۰/۵
۱۵	منظور از پیرانه سر در سخنان سقراط چیست؟	۱۵					۰/۵
۱۶	به نظر افلاطون انسان چگونه می تواند به معرفت حقیقی دست پیدا کند؟	۱۶					۰/۵
۱۷	هر یک از کلمات سمت چپ را به کلمه ها یا عباراتی در سمت راست وصل کنید (دو مورد اضافی است). الف) فیلسوفوس ب) استادان سخن بودند پ) سوفیست در معنای ثانویه ت) با عزمی راسخ با سوفسطائیان به مبارزه پرداخت ث) مقیاس حقیقت از نظر سوفیست ۱) دوستداری دانایی ۲) دوستدار دانش ۳) مغالطه کار ۴) ادراک انسان ۵) سوفسطائیان ۶) سقراط ۷) گرگیاس	۱۷					۱/۲۵
۱	هر یک از سؤالات زیر در چه علمی مورد بحث قرار می گیرد؟ الف) چرا با این که حواس خطا می کنند، می توان در انجام آزمایش باز به آن ها اعتماد کرد؟ ب) فرق یک هنرمند با دیگران در چیست؟ پ) چرا راستی و درستی خوب است و دروغ و خیانت بد؟ ت) آیا جامعه برای خود وجودی مستقل و جدا از افراد جامعه دارد؟	۱۸					۱

ردیف	آزمون شماره ۹	نوبت دوم پایه یازدهم دوره متوسطه دوم	مدت آزمون: ۷۰ دقیقه	رشته: ادبیات و علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی	فلسفه (۱)	kheilisabz.com	نمره
۱۹	در مثال زیر، علت فاعلی و غایی را معین کنید. «دوست من موشکی کاغذی ساخت تا برادر کوچکش را شاد کند.»						۰/۵
۲۰	دو مثال برای نسبی بودن ماده و صورت در قالب جدول بیاورید.						۱
		صورت	ماده				
	گزینه درست را انتخاب کنید.						
۲۱	به اعتقاد افلاطون، حواس (۱) به ندرت به امور پایدار تعلق می یابند. (۳) هیچ نقشی در شناسایی ندارند.	(۲) حقیقت چیزها را چنان که هستند، نشان نمی دهند. (۴) آن طور که پروتاگوراس می گفت، خطا پذیر نیستند.					
۲۲	به نظر اپیکور کدام لذت ها پایدار و قابل اعتماد هستند؟ (۱) لذات نفسانی (۲) لذات فکری	(۳) لذات معنوی (۴) لذات حسی					
به سؤالات زیر پاسخ کامل دهید.							
۲۳	چه موقع سؤال «فلسفه این امر چیست؟» برای انسان به وجود می آید؟						
۲۴	نگاه روان شناسی رفتارگرا نسبت به شخصیت انسان چیست؟						
۲۵	یکی از مباحث فلسفه اولی، بحث «وحدت و کثرت» است؛ توضیح دهید.						
۲۶	سقراط درباره مسئله «مرگ» تفاوت خود را با دیگران در چه نکته ای می داند؟						
۲۷	راه حل افلاطون برای رسیدن به معرفت حقیقی شامل دو مرحله است؛ این دو مرحله را به طور مختصر توضیح دهید.						
۲۸	نظر افلاطون درباره نفس در رساله تیمائوس چیست؟						
۲۹	مفهوم علت غایی از نظر ارسطو شامل چه مواردی است؟						
۳۰	چرا ارسطو طبیعت را به «کدبانویی شایسته» تشبیه کرده است؟						
۳۱	از نظر اپیکور افراط در هر لذتی چه آثاری بر جا می گذارد؟						
۳۲	نظر سقراط در رابطه با فضیلت چه بود؟						
۳۳	معروف ترین کلیبان که بود و چرا تنها درخواستش از اسکندر این بود که جلوی نور آفتاب را نگیرد؟						
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید					

پاسخنامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

۱- دوستداری دانایی

۲- الف) درست است. حال اگر کسی بپرسد: «چرا طبیعت قابل شناخت است؟» یا «چرا با این که حواس خطا می‌کنند، باز می‌توان به آن‌ها اعتماد کرد؟» و «چرا هر پدیده محتاج علت است؟» به ناچار باید قدم در قلمرو دانش جدیدی نهاد تا برای این پرسش‌ها پاسخی پیدا شود. این قلمرو همان قلمرو فلسفه است که می‌تواند عهده‌دار تحقیق در مبانی و اصول و تکیه‌گاه‌های علوم باشد و برای آن شالوده‌های مطمئنی ایجاد کند.

ب) درست است. شاید افرادی را دیده باشید که وقتی در زندگی با مشکلی روبه‌رو می‌شوند و یا در رسیدن به آرزوهای خود ناکام می‌مانند با ناامیدی اظهار می‌کنند «ما که نفهمیدیم فلسفه زندگی چیست؟» با اندکی تأمل می‌توان یافت مقصود از «فلسفه» در نمونه‌های یادشده «چرایی، حادثه‌ها و توضیح و تبیین آن‌هاست و به عبارت دیگر کلمه «فلسفه» در این مثال‌ها و نظایر آن، به معنای تبیین عقلانی یک واقعه یا پدیده است.

۳- الف) سقراط به علت تواضع و فروتنی و یا شاید برای هم‌ردیف نشدن با سوفیست‌ها مایل نبود او را «سوفیست» یا دانشمند بخوانند و از این رو خود را فیلسوفوس (فیلسوف) یعنی دوستدار دانش نامید.

ب) این اصل که یکی از فرض‌های اولیه و مقدماتی است که دانشمندان در همه علوم تجربی آن را پذیرفته‌اند بیانگر این است که طبیعت همواره به صورت یکنواخت و مشابه عمل می‌کند. پ) اصل‌هایی همچون ۱- واقعیت‌داشتن جهان ۲- قابل شناخت بودن طبیعت، ۳- درستی روش تجربه و آزمایش، ۴- یکسان عمل کردن طبیعت، ۵- تبعیت همه موجودات از اصل علیت (سه مورد کافی است).

۴- «پرولتاریا»، (یعنی طبقه کارگر)

۵- درست است. نظریات دانشمندان بسته به این که چه تصویری از «انسان» داشته باشند با یکدیگر فرق می‌کند.

۶- ۱) چرا بعضی زبان زیبایی اشیا را می‌فهمند و بعضی نمی‌فهمند؟
۲) چرا یک آهنگ دلنواز است؟ یا هر سؤال صحیح دیگر.

۷- الف) فلسفه و اخلاق (۲) فلسفه و هنر (۵) فلسفه و هنر
پ) فلسفه و جامعه‌شناسی (۳) فلسفه و سیاست (۱)

۸- الف) بحث شناخت یا بحث معرفت یکی از بحث‌های مهم فلسفه است که در آن از حقیقت ذهن آدمی و قواعد آن در شناخت عالم خارج سخن به میان می‌آید از آنجا که شناخت یکی از افعال روانی است همین بحث در روان‌شناسی نیز مطرح است. روان‌شناسی رفتارگرا، روان‌شناسی گشتالت است.

ب) در اسلام، حکومت و اقتدار تنها از آن خداوند است و کسی مشروعیت سیاسی و ولایت پیدا می‌کند که حکم خدا را بیان کند.

بررسی این حقیقت که حکومت بر چه پایه‌ای استوار است یا حق حاکمیت از آن چه کسی است به رابطه فلسفه با سیاست مربوط می‌شود.

۹- تمیز ۱۰- درست است.

۱۱- مسائل فلسفه اولی عبارت‌اند از: ۱- هستی و چیستی (وجود و ماهیت)، ۲- علت و معلول، ۳- ثابت و متغیر، ۴- وحدت و کثرت (دو مورد کافی است).

۱۲- الف) گزینه «۱» ب) گزینه «۴»

۱۳- الف) وقتی می‌گوییم سنگ وجود دارد، درخت وجود دارد، انسان وجود دارد، از چیزهای مختلفی مانند سنگ، درخت و انسان صحبت می‌کنیم که همه وجود دارند. سنگ‌بودن، درخت‌بودن و انسان‌بودن، چیستی یا ماهیت اشیا است. بحث وجود و ماهیت از مباحث مهم مابعدالطبیعه است.

ب) علوم مختلف هر کدام موجودات را از لحاظ صفت و خصوصیت معینی که دارند می‌شناسند (با یک جنبه از خصوصیت‌های اشیا را موردنظر قرار می‌دهند) اما مابعدالطبیعه موجودات را از جهت وجودداشتن بررسی می‌کند.

۱۴- نفس خود یا درون خود - گوهر الهی عقل

۱۵- نادرست است؛ آن‌ها معتقد بودند که دستیابی به حقیقت غیرممکن است.

۱۶- او که در قرن پنجم قبل از میلاد می‌زیست، در اواخر عمر به علت نگارش کتابی درباره خدایان محکوم به مرگ شد.

۱۷- الف) ۱) همه‌چیز نسبی است و حقیقتی وجود ندارد.

۲) انسان معیار همه‌چیز است.

۳) حقیقت جنبه شخصی دارد. (دکتر ده مورد کافی است).

ب) گرگیاس در یکی از آثار خود به نام «درباره طبیعت» افکار اصلی خود را چنین شرح می‌دهد: «اولاً هیچ چیز وجود ندارد، ثانیاً به فرض وجود، برای انسان شناختنی نیست، ثالثاً اگر برای انسان شناختنی باشد، نمی‌توان آن را به دیگران تعلیم داد.»

۱۸- سقراط - نمی‌داند.

۱۹- درست است. سقراط: به شما یادآوری می‌کنم که ثروت، فضیلت به بار نمی‌آورد، بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه که برای فرد و جامعه سودمند است، به دست می‌آید.

۲۰- الف) معرّف یا تعریف

ب) ۱- ترس از مرگ جز این نیست که آدمی خود را دانا پندارد، بی‌آن که دانا باشد.

۲- چنین نیست که هرکس بخواهد کاری را انجام دهد، اول باید بفهمد که آن کار به مرگ می‌انجامد یا به زندگی. در حالی که از نظر سقراط مهم این است که بفهمد این کار درست است یا نادرست.

۲۱- الف) سقراط می‌گوید: «از گشت و گذار جز این مقصودی ندارم که شما جوانان و سالخوردگان را متقاعد سازم که نباید جسم، مال و ثروت را بر کمال نفس خود ترجیح دهید.» ب) سقراط با فریاد «خود را بشناس» پرده جهل مرکب را از مقابل چشم‌ها فرومی‌اندازد و فرد را بر کرسی تواضع می‌نشاند و به او می‌آموزد تا با تکیه بر عقل خدادادی می‌تواند از وسوسه شک و گمان خلاصی یافت و راه حقیقت را پیمود.

پ) زیرا شنیده بود که مرگ باید در میان سکوت و آرامش باشد.

ت) «اگر فرار کنم گویی خود را مسخره کرده‌ام، چون در گفتار از بی‌اعتنایی به دنیا دم زده‌ام و در عمل خود را مشتاق توقف در دنیا نشان می‌دهم.»

آزمون شماره ۹ (نوبت دوم)

- ۱- نادرست است. سوفسطائیان هر چند عقیده و آموزش معینی نداشتند، اما روش آن‌ها در تاریخ فلسفه بسیار مؤثر بوده است.
- ۲- درست است.
- ۳- درست است.
- ۴- نادرست است. اپیکوریان برخلاف رواقیون به سیاست و زندگی اجتماعی اشتیاقی نداشتند. اپیکور زندگی دور از جنجال و هیاهو را بر هر چیزی ترجیح می‌داد.
- ۵- علیت
- ۶- شناخت
- ۷- حقایق
- ۸- صوری
- ۹- فاعلی - صوری
- ۱۰- فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه یا هستی‌شناسی
- ۱۱- کمیت و مقدار: ریاضیات حرکت و سکون: مکانیک
- ۱۲- گرگیاس
- ۱۳- با روشی معتدل و بیانی استوار و مطمئن
- ۱۴- به نظر سقراط شخص با تکیه بر عقل خدادادی می‌تواند از وسوسه شک و گمان خلاصی یابد و راه حقیقت را ببیند.
- ۱۵- سقراط تأکید کرد که نمی‌خواهد به پیرانه‌سر متهم شود که زندگی دنیا را بسیار دوست دارد و می‌خواهد بیشتر از آن بهره‌مند شود.
- ۱۶- افلاطون معتقد است که انسان می‌تواند با به کار بردن روش درست در اندیشیدن به معرفت حقیقی دست پیدا کند.
- ۱۷- الف) فیلسوفوس — دوستدار دانایی یا دوستدار دانش
ب) استادان سخن بودند — سوفسطائیان
پ) سوفیست در معنای ثانویه — مغالطه‌کار
ت) با عزمی راسخ با سوفسطائیان به مبارزه پرداخت — سقراط
ث) مقیاس حقیقت از نظر سوفیست — ادراک انسان
- ۱۸- الف) فلسفه علوم تجربی ب) فلسفه و هنر
پ) فلسفه و اخلاق ت) فلسفه و جامعه‌شناسی
- ۱۹- دوست من: علت فاعلی (علتی که با عمل خود چیزی را به وجود آورد).
شادکردن برادر کوچک‌ترش: علت غایی (علتی که کار برای آن انجام می‌شود).
- ۲۰- الف) تخم‌مرغ نسبت به جوجه یا مرغ
ماده صورت
ب) دانه لوبیا در دل خاک نسبت به درخت لوبیا
ماده صورت
- ۲۱- گزینه «۲»
- ۲۲- گزینه «۲» بهترین لذات را لذات فکری و اتصال اندیشه با مفاهیم عالی می‌داند.
- ۲۳ معمولاً مردم زمانی که با اموری روبه‌رو می‌شوند که برخلاف انتظار و عادت‌اند یا از عواملی که سبب پیدایش آن امور شده است، اطلاع درستی ندارند، پیش خود می‌گویند، راستی فلسفه این امور چیست؟
- ۲۴- روان‌شناسی رفتارگرا برای شخصیت انسان امتیازی جدای از محیطی که در آن پرورش می‌یابد، قائل نیست و معتقد است می‌توان تمام رفتارهای او را پیش‌بینی و برای آن‌ها برنامه‌ریزی کرد.
- ۲۵- در میان موجودات عالم هم کثرت می‌بینیم و هم وحدت، اگر کثرت در کار نبود اصولاً نمی‌توانستیم اشیا را از یکدیگر تمیز دهیم و اگر وحدت در کار نبود، هرگز نمی‌توانستیم میان اشیا همانندی و مشابهت تشخیص دهیم و آن‌ها را برحسب همانندی‌هایشان دسته‌بندی کنیم و بر هر دسته نام واحدی بدهیم.
- ۲۶- او می‌گوید چون درباره جهان دیگر چیزی نمی‌دانم خود را نمی‌فریبم و گمان نمی‌برم که می‌دانم.
- ۲۷- ۱) برای به دست آوردن معرفت حقیقی باید از سطح حواس فراتر رفت و از ابزار دیگری به نام عقل مدد جست و به وسیله ادراک عقلانی مشخصه اول معرفت حقیقی (خطاناپذیر بودن) تأمین می‌شود.



۲) از دیدگاه افلاطون در عالم طبیعت که پیوسته در حرکت و دگرگونی است نمی‌توان به چیز ثابت و بادوامی دست یافت بنابراین ویژگی دوم معرفت حقیقی یعنی تعلق داشتن به امور پایدار در جهان محسوسات تأمین نمی‌شود بلکه باید آن را در جهانی برتر از طبیعت جست‌وجو کرد.

۲۸- افلاطون بیان می‌دارد: تنها چیزی که دارای عقل و خرد است، نفس است و این چیزی نامرئی است در حالی که آتش، آب، خاک و هوا همگی اجسام مرئی هستند.

۲۹- ارسطو مفهوم علت غایی را علاوه بر افعال ارادی انسان، به تمام حرکات اشیای جهان نیز سرایت می‌دهد.

۳۰- کل جهان ماده نیز همانند فرد فرد اشیاء رو به مقصدی دارد. یک نیروی طبیعی در کل جهان طبیعت او را به سوی هدفی عالی سوق می‌دهد مانند کدبانوی شایسته‌ای که هرگز چیزی را که بتواند آن را به چیز مفیدی تبدیل کند دور نمی‌اندازد و به هدر نمی‌دهد. طبیعت هیچ‌گونه کار بی‌هوده‌ای انجام نمی‌دهد. عالم طبیعت سرشار از آینده‌نگری و نظم و ترتیب است و همه چیز در جای خود قرار گرفته تا به سوی کمال حرکت کند.

۳۱- اپیکور عقیده داشت که افراط در هر لذتی آثار منفی برای انسان در پی دارد و باید همواره راه اعتدال را در لذت‌های زندگی پیمود.

۳۲- سقراط اعلام کرده بود که فضیلت تنها راه سعادت و نیکبختی است و انگیزه رسیدن به خوشبختی محرکی است برای این که به فضایل عمل کند. عده‌ای از سخن سقراط چنین برداشت کردند که اگر خوشبختی بخواهد انگیزه عمل اخلاقی باشد، لازم است که ملایم طبع و لذت‌آفرین باشد.

۳۳- دیوژن، می‌خواست نشان دهد که از آن فرمانروای مقتدر، غنی‌تر و خوشبخت‌تر است.

درس نامه توپ برای شب امتحان

اعجاب و حیرت فلسفی: آدمی برای زدودن حیرت و فهم حقایق به فلسفه روی می آورد. خود ارسطو در مورد وجود فلسفه می گوید: اعجاب و حیرت است که هم نخستین دانشمندان و هم مردم امروز را به بحث های فلسفی کشانیده است.

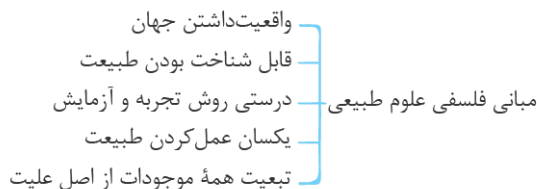
چرا فلسفه پیاموزیم؟

ما انسان ها برای ادامه حیات معنوی پرسش هایی داریم که برای پاسخ به آن ها نیازمند تفکر فلسفی هستیم.

تفکر فلسفی: تفکر فلسفی، کوششی است برای یافتن پاسخ های مناسب به **اصلی ترین** و **بنیادی ترین پرسش هایی** که در ذهن انسان مطرح می شود.

مبانی فلسفی علوم

در بین قوانین تجربی اصول مشترکی وجود دارد که در همه آن ها به یک اندازه مورد قبول است. نکته این جاست که این اصول در خود آن علوم بررسی نمی شود بلکه در فلسفه آن علم مورد بررسی قرار می گیرد پس به آن ها **مبانی فلسفی علوم طبیعی** می گویند.



تحقق و اعتبار هر علمی وابسته به همین مبانی و اصولی است که ذکر شد؛ بنابراین به توضیح هر کدام از آن ها می پردازیم.

واقعیات داشتن جهان: جهان ساخته و پرداخته خیالات ذهنی نیست.

قابل شناخت بودن طبیعت: آدمی قادر به شناخت طبیعت و موجودات آن است. **درستی روش تجربه و آزمایش:** به حواس انسان می توان اعتماد کرد و تجربه و آزمایش روشی مطمئن برای کشف اسرار طبیعت است.

یکنواخت عمل کردن طبیعت: طبیعت همواره به صورت یکنواخت و مشابه عمل می کند و در شرایط مشابه به نتایج مشابه دست می یابیم.

اصل علیت: هر یک از قوانین بیانگر علت بودن چیزی نسبت به چیز دیگر است و امکان ندارد حادثه ای خودبه خود اتفاق بیفتد.

نکته: وظیفه فلسفه علوم طبیعی این است که مبادی و نقاط اتکالی آن علوم و همچنین روش هایی را که به کار می گیرند را تبیین عقلانی کند.

در واقع هنگامی که با روش **عقلی و منطقی** سعی در شناخت ابعاد یک موضوع جدی داشته باشیم کار فلسفی انجام داده ایم.

درس ۲: فلسفه چیست؟ (۲)

نظریات دانشمندان علوم انسانی در رشته های مختلف بسته به این که چه تصویری از انسان داشته باشند با یکدیگر فرق می کند.

روان شناسی و فلسفه

روان شناسی درباره حالات روانی و رفتار آدمی بحث می کند. از قرن ۱۸ با استفاده از روش تجربه و اندازه گیری گسترش پیدا کرد.

رابطه فلسفه با روان شناسی با توجه به موضوع «ابعاد وجودی انسان و شناخت» ایجاد می شود. مسئله شناخت که یکی از **افعال روانی انسان** است، علاوه بر علم روان شناسی در فلسفه نیز مورد مطالعه قرار می گیرد.

درس ۱: فلسفه چیست؟ (۱)

معنی کلمه فلسفه

لفظ فلسفه معرب (عربی شده) کلمه «فیلسوفیا» است که ریشه یونانی دارد.

فیلسوفیا خود از ۲ کلمه تشکیل شده است. **۱) فیلو** = دوستدار **۲) سوفیا** = دانایی

پس فیلسوفیا به معنای **دوستدار دانایی** است.

سوفیست ها

سوفیست ها گروهی بودند که پیش از سقراط پدید آمدند و خود را سوفیست یا دانشمند می نامیدند. این گروه مقیاس حقیقت و واقعیت را، ادراک انسان می گرفتند. بنابراین آن ها معتقد بودند:

۱) هر کسی هر چه خودش بفهمد همان حقیقت و واقعیت است.

۲) نمی توان برای حقیقت و واقعیت معیاری جدای از ادراک آدمی قائل شد.

مغالطه، روش سوفیست ها

سوفیست ها در استدلال های خود **مغالطه** می کردند یعنی، استدلال هایی به کار می بردند که ظاهراً درست به نظر می رسید و مخاطب را قانع می کرد اما در واقع **غلط** بود. - مغالطه همان سفسطه است.

معنی کلمه سفسطه

ریشه عربی دارد.

کلمه سفسطه از لفظ **سوفیست** گرفته شده است.

معنای رایج آن **مغالطه کاری** است.

بچه ها برای این که معانی جدید و قدیم رو قاطی نکنید به جدول زیر خوب دقت کنید.

جدول تحول معنایی		
کلمه	معنای قدیم	معنای جدید
فیلسوفوس (فیلسوف)	دوستدار دانایی	دانشمند
سوفیست	دانشمند	مغالطه کار
فلسفه	دوستداری دانش	دانش

سقراط فیلسوف

سقراط خود را فیلسوفوس (فیلسوف) نامید و به **علت تواضع و فروتنی** یا شاید هم **ردیف نشدن** با سوفیست ها حاضر نشد تا او را سوفیست یا دانشمند بخوانند (پس علت اصلی تواضع و فروتنی بود).

فلسفه در بین مردم

اصطلاح فلسفه در بین مردم چرایی حادثه ها و توضیح و تبیین آن ها یا به عبارت دیگر **تبیین عقلانی** یک واقعه یا پدیده است.

مثال: فلسفه زندگی چیست؟

فلسفه راستگویی چیست؟

فلسفه ورزش چیست؟

فلسفه احترام گذاشتن چیست؟

تبیین عقلانی: تکاپوی ذهن انسان برای فهم حقایق امور را تبیین عقلانی می گویند. تبیین عقلانی معنای **مشترک و عمومی** بین فلسفه رایج نزد مردم و فلسفه به عنوان یک دانش است.

شناخت چیست؟

شناخت در روان‌شناسی، یکی از افعال روانی انسان است. در فلسفه، از موضوعات مهم است که در آن از حقیقت ذهن آدمی و قواعد آن در شناخت عالم خارج سخن به میان می‌آید. حالا به بررسی دو مکتب روان‌شناسی که درباره شناخت بحث می‌کنند می‌پردازیم:

روانشناسی رفتارگرا

روانشناسی رفتارگرا	
بنیان‌گذار	اگوست کنت (قرن ۱۹)
موسوم به	مکتب تحضلی
دیدگاه و اصول	تنها امور قابل مشاهده قابل اثبات هستند. دانش بشری محدود به پدیده‌های مادی است. تفکر عقلانی محض که بدون مشاهده باشد، اعتباری ندارد.

در این مکتب انسان ماشینی تلقی می‌شود که مرکب از رفتارهای معینی است و یادگیری و شناخت نوعی رفتار به شمار می‌رود که حاصل بازتاب عوامل مؤثر محیطی است. این مکتب برای شخصیت انسان جدای از محیطی که در آن است اهمیتی قائل نیست و تمام رفتارهای او را قابل پیش‌بینی و برنامه‌ریزی می‌داند.

روانشناسی گشتالت

روانشناسی گشتالت	
مبتنی بر آرای	ایمانوئل کانت (قرن ۱۸)
معنای گشتالت	در زبان آلمانی به معنای شکل و هیئت
دیدگاه و اصول	ادراک انسان در برابر عوامل محیطی منفعل نیست. شناخت مانند مجموعه‌های متداخل به صورت کل یا واحد است. انسان محکوم به علل و عوامل مادی نیست. روح و روان واقعیتی است که ذهن در پرتو آن اصالت پیدا می‌کند. روح و روان فعالانه در شناخت ظاهر می‌شوند.

مطابق دیدگاه گشتالت روح انسان مانند یک لوح سفید نیست که همه محتوای آن از تجربه‌های محیطی تأمین می‌شود بلکه حقیقت مستقلی است که می‌تواند در امر شناخت، فعالانه شرکت کند.

رفتارگرا: انسان محکوم علل مادی است. تمام واقعیات او را ماده تشکیل می‌دهد. یادگیری نوعی رفتار کورکورانه و انفعالی است. گشتالت: ذهن در پرتو روح و روان اصالت پیدا می‌کند. روح حقیقت مستقلی است که در امر شناخت فعالانه عمل می‌کند. دخل و تصرف عوامل ذهنی در داده‌های تجربی منجر به شناخت می‌شود.

جامعه‌شناسی و فلسفه

جامعه‌شناسی دانشی است که درباره رفتارهای اجتماعی و دلایل تحولات اجتماعی بحث می‌کند.

رابطه فلسفه با جامعه‌شناسی: این مطلب که اصالت با فرد است یا جامعه و این که انسان تابع پایگاه خود است یا اراده مستقل دارد.

دو نمونه از ارتباطات فلسفه و جامعه‌شناسی

۱. اصالت فرد و اصالت جامعه: بعضی از جامعه‌شناسان در نظریات خود اهمیت و اصالت را به «فرد» می‌دهند و بعضی دیگر به جامعه. اصالت فرد ← جامعه چیزی غیر از مجموع افراد نیست. اصالت جامعه ← جامعه وجودی مستقل از افراد خود دارد.

۲. انسان و پایگاه طبقاتی

مکتب فلسفی مارکسیسم: هر فرد برحسب تعلق به یک طبقه اقتصادی و دوره‌ای از تاریخ زندگی دارای عقاید، فرهنگ‌ها و ارزش‌های خاصی است (انسان مانند یک قطعه موم فرض شده است).

در مقابل مارکسیسم: انسان با روح غیرمادی و فطرت الهی خود صاحب اراده آزاد است و می‌تواند خود را از قیدوبند پایگاه طبقاتی خود برهاند و برای خود فرهنگ خاصی انتخاب کند.

فلسفه و سیاست: حق حاکمیت برای چه کسی است؟

رابطه فلسفه با سیاست

برای پاسخ به این سؤال باید وارد حوزه فلسفه سیاست شویم و با دست یافتن به مبانی و اصولی درباره ماهیت و حقیقت انسان و جامعه، کلیدی برای تبیین عقلانی این مسئله پیدا کنیم. نظریه‌هایی که در مورد حکومت بر مردم وجود دارد:

مارکسیسم	پرولتاریا یا طبقه کارگر
برخی جامعه‌شناسان غربی	اکثریت مردم
اسلام	خداوند و کسی که حکم خدا را بیان می‌کند.
دیکتاتوری یا استبدادی	فرد دیکتاتور

فلسفه و اخلاق

علم اخلاق: علمی است که از خوبی و بدی و نبایدهای اخلاقی سخن می‌گوید. رابطه فلسفه با اخلاق: فلسفه درباره ملاک خوبی و بدی اخلاقی بحث می‌کند.

نکته: فلسفه‌ای که خوبی و بدی در آن اعتباری و برحسب قرارداد شناخته شود پایه‌های محکمی برای اخلاق بنا نمی‌کند.

فلسفه‌ای که در آن ارزش‌های اخلاقی وابسته به منافع فردی یا عمومی باشد، اخلاق را به پایین‌ترین سطح تنزل می‌دهد.

فلسفه‌ای که نبایدها را در ذات انسان و وجدان فرد می‌جوید می‌تواند فرو ریزد، زیرا وجدان فردی در بسیاری از اشخاص مانعی جدی نیست.

کدام فلسفه می‌تواند اساس اخلاق را استوار کند؟ فلسفه‌ای که ارزش‌های اخلاقی را به سرشت انسان بازگرداند و حس مسئولیت او را در برابر پروردگار بیدار کند.

فلسفه و هنر

هنر: سروکار داشتن با زیبایی و آفرینش است.

رابطه فلسفه با هنر: فلسفه درباره ماهیت زیبایی و زشتی بحث می‌کند.

تفاوت هنر در دوره‌های مختلف، ریشه در تحول بینش‌های فلسفی بشر داشته است.

مثلاً در تفکر اسلامی، هر ذره‌ای از ذرات جهان نقش و نگاری از جمال خداوندی است.

درس ۳: فلسفه چیست؟ (۳)

فلسفه

کوششی برای فهم علت حقیقی رویدادها و درک مبانی و اصولی که علوم تجربی و علوم انسانی بر آن‌ها استوار شده است.

مهم‌ترین مصداق فلسفه «مابعدالطبیعه یا فلسفه اولی» است؛ زیرا فلسفه اولی سراسر هستی را عرصه مطالعه خود قرار می‌دهد تا به تبیین عقلانی احکام آن بپردازد و «وجود» به عنوان اساسی‌ترین و عام‌ترین همه مفاهیم، مدار همه مباحث مابعدالطبیعه است.

حقیقت یا وجود، حقیقی‌ترین مبنایی است که همه خصوصیات اشیا به آن بازمی‌گردد.

علوم مختلف	موضوع مورد بررسی
ریاضی	کمیت، مقدار
فیزیک	خواص ماده
زیست‌شناسی	حیات و زنده بودن
فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه	هستی

مابعدالطبیعه چیست؟

مهم‌ترین بخش فلسفه، فلسفه اولی یا مابعدالطبیعه است.

علم به موجودات صرفاً از جهت وجودداشتن مابعدالطبیعه: شناخت احکام مطلق وجود مهم‌ترین مصداق فلسفه به معنای توجیه و تبیین عقلانی امور

علوم مختلف هر کدام از موجودات را از لحاظ صفت و خصوصیت معینی می‌شناسد، اما مابعدالطبیعه، در حقیقت علم به احوال موجودات صرفاً از جهت وجودداشتن است.



چند نمونه از مسائل مابعدالطبیعی

- ۱ مسئله ثبات و متغیر
- ۲ تفاوت وجود و ماهیت
- ۳ مسئله وحدت و کثرت
- ۴ رابطه علیت

علیت

در علوم طبیعی، تنها مصادیق این رابطه بررسی می‌شود؛ مانند گرم شدن آب توسط آتش. رابطه علیت در فلسفه اولی، به اصل هستی و ردوبدل کردن خود وجود می‌پردازد.

وحدت و کثرت

وحدت: اگر نبود مشابهتی میان اشیا یافت نمی‌شد و دسته‌بندی اشیا میسر نمی‌شد. کثرت: اگر نبود تفاوتی بین اشیا یافت نمی‌شد و تمیز اشیا میسر نمی‌شد. **نکته:** عام‌ترین همه مفاهیم وجود است و عرصه مطالعه فلسفه اولی سراسر هستی است نه بخش خاصی از آن.

درس ۴: آغاز فلسفه



آغاز اندیشه بشر، مربوط به زمان و مکان خاصی نیست. تأملات بشر پیرامون هستی و آغاز و انجام جهان همواره همراه با باورهای دینی بوده و به زبانی رمزی بیان شده است.

یونان (مهد تفکر فلسفی)

- ۱ نخستین مجموعه‌ها یا قطعه‌های فلسفی در آن‌جا نگاشته شدند.
 - ۲ فلسفه در آن‌جا رسمیت یافت.
 - ۳ زبان رمز و افسانه برای تغییر جهان جای خود را به زبان تعقل داد.
 - ۴ مدارس فلسفی بنیان‌گذاری شد (تعلیم و تعلم فلسفه عمومیت یافت).
- زادگاه فلسفه یونانی:** زادگاه فلسفه یونانی بخشی از یونان باستان است که ایونیا نام دارد (غرب آسیای صغیر). پایه‌گذاری مباحث فلسفی ← ۶ قرن پیش از میلاد

اندیشمندان نخستین

آن‌چه که بیش از هر چیز اندیشمندان نخستین را به خود مشغول می‌کرد، دگرگونی‌هایی بود که پیوسته در جهان طبیعت رخ می‌داد. مانند سرما و گرما، پیری و جوانی و ... آن‌ها پیوسته در تلاش بودند که این چنین دگرگونی‌ها را به درستی تبیین عقلانی کنند. نمونه‌هایی از این اندیشمندان: تالس، آناکسیمندر، فیثاغورث، هراکلیتوس، پارمنیدس، امپدکلس، دموکریتوس و ... هر کدام از این اندیشمندان دستگاه فلسفی متفاوتی طراحی کردند و آرای گوناگون و غالباً متضادی بیان کردند بنابراین آشفتگی فکری به وجود آمد و بذریعۀ اعتمادی نسبت به علم و دانش پراکنده شد.

سوفسطائیان	علت پیدایش آن‌ها: آشفتگی فکری به وجود آمده بر اثر نظرات ضد و نقیض اندیشمندان.
اعتقاد آن‌ها	دنبال کردن شیوه کاری جهان‌شناسان را بیهوده دانسته و به جای آن آموزش علم سیاست و فن سخنوری را ترویج کردند. منادی بی‌اعتباری علم و اندیشه بودند. طریقه استدلال سوفسطائیان: از مقدمات صحیح شروع می‌کردند و از آن نتایج مهم می‌گرفتند.

سخن گزنفون درباره سوفسطائیان: سوفسطائیان در برابر مزد به قصد فریب سخن می‌گویند و می‌نویسند و هیچ کمکی به کسی نمی‌کنند؛ زیرا هیچ‌یک از آنان دانا نبوده و نیست.

- مشهورترین سوفسطایی
- در قرن پنجم قبل از میلاد می‌زیست.
- پروتاگوراس با پریکلس (حاکم آتن) روابط دوستانه داشت.
- نخستین کسی بود که در برابر تعلیم مزد دریافت می‌کرد.
- به علت نگارش کتابی درباره خدایان محاکمه و در راه فرار به جزیره سیسیل از دنیا رفت.

عقیده پروتاگوراس

- ۱ همه‌چیز نسبی و موقتی است و حقیقت به معنای دانش ثابت و پایدار وجود ندارد.
- ۲ شعار پروتاگوراس «انسان معیار همه‌چیز است» بود.
- ۳ حقیقت جنبه شخصی دارد و هر کس هر چه ببیند، برای او عین حقیقت است. یکی از سوفسطایی‌های هم‌عصر پروتاگوراس بود. گرگیاس شناخت را انکار می‌کرد. اثری به نام درباره طبیعت را نوشته است.

عقیده گرگیاس

اولاً هیچ‌چیز وجود ندارد، ثانیاً به فرض وجود برای انسان شناختنی نیست، ثالثاً اگر شناختنی باشد نمی‌توان آن را به دیگران تعلیم داد. **بررسی دو عقیده:**

پروتاگوراس شناخت را تابع تخیل و پندار هر کس می‌داند در حالی که گرگیاس می‌گوید شناخت اصلاً وجود ندارد؛ پس باید گفت این دو نظر مقابل یکدیگر هستند.

تأثیر سوفسطائیان

هر چند سوفسطائیان عقیده و آموزش معینی نداشتند اما روش آن‌ها در تاریخ فلسفه بسیار مؤثر بوده است؛ زیرا بحث‌های استدلالی را گسترش دادند و زمینه را فراهم کردند تا فن منطق مورد توجه قرار گیرد.

با این حال با مغالطه‌های خود مبانی علم و حقیقت را متزلزل ساختند و موجی از نابوری و شکاکیت را در فضای روزگار خویش منتشر کردند که در نتیجه مردم را در تحصیل حقیقت سرگردان کردند و امکان دستیابی به معرفت راستین را با خطری جدی مواجه ساختند.

شیوه‌های استدلال: شیوه‌های استدلالی توسط سقراط و افلاطون تکامل پیدا کرد و ارسطو اصول آن را تنظیم نمود و مجموعه‌ای از ابواب آن را تدوین کرد.

دعوت سقراط به خودشناسی: سقراط همواره انسان‌ها را به تأمل در نفس خویش دعوت می‌کرد تا درون خود، گوهر الهی عقل را کشف کنند. با قوه تعقل می‌توان هم معرفت حقیقی را کشف کرد و هم فضایل اخلاقی را به دست آورد.

به چه علت سقراط را بنیان‌گذار فلسفه نامیده‌اند؟ زیرا توانایی عقل انسان را به او نشان داد.

شیوه تعلیم سقراط: شیوه سقراط در تعلیم حکمت، پیامبرگونه بود؛ زیرا با رفتار و منش خود و با بزرگواری و کرامت روحی خود به ترویج فلسفه پرداخت و هیچ اثری از خود بر جای نگذاشت.

چرا سقراط را سخنگوی فلسفه نامیده‌اند؟ زیرا زندگی او آینه تفکر معنوی او بوده است. **نکته:** ویژگی ممتاز سقراط ← جویندگی حقیقت

سقراط به تبع فیثاغورث خود را فیلسوفوس یا دوستدار دانش می‌نامید.

درس ۵: شهید راه حکمت



سقراط

تولد: ۴۶۹ یا ۴۷۰ قبل از میلاد

مادرش: ماما

پدرش: سنگ‌تراش

زن و سه فرزند داشت.

بزرگ‌ترین شاگردش ← افلاطون

در ۷۰ سالگی به مرگ محکوم شد.

نکته: سقراط استاد خاصی نداشت و تحصیلات او از راه مطالعه در آثار گذشتگان به دست آمده بود.

سخنان سقراط به ظاهر ساده‌لوحانه و گاهی خنده‌آور اما دارای ژرفای خاص بود.

سقراط و مردم

سقراط در میان مردم می‌گشت تا جوانان و سالخوردگان را متقاعد کند که نباید جسم، مال و ثروت خود را به کمال نفس ترجیح دهند. به اعتقاد سقراط از ثروت فضیلت به بار نمی‌آید. بلکه از فضیلت است که ثروت و هر چه برای فرد و جامعه سودمند است به دست می‌آید.